

شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد

پروین شایسته نیا^۱، حمید شفیع زاده^۲، نادر سلیمانی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

چکیده

هدف: پیوند مدرسه و جامعه می‌تواند نقش مهمی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه داشته باشد. بنابراین، هدف این مطالعه شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده بنیاد بود.

روش‌شناسی: این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، کیفی بود. جامعه پژوهش اساتید و خبرگان، سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش، مدیران ادارات کل آموزش و پرورش و مدیران مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری ۱۸ نفر تعیین که این تعداد با روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. داده‌ها با فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری که روایی مصاحبه‌ها با روش‌های مثلث‌سازی و بررسی همکار تایید و پایایی آن با ضریب کاپای کوهن ۰/۷۹ محاسبه شد. داده‌ها با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر مبنای نظریه داده‌بنیاد در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۱ تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه ۴۲ زیرمقاله در ۱۵ مقوله اصلی شناسایی شد؛ به طوری که در پدیده محوری یک مقوله اصلی پیوند مدرسه و جامعه در ایران، در شرایط علی دو مقوله اصلی عوامل ساختاری و عوامل محتوایی، در شرایط زمینه‌ای چهار مقوله اصلی تمرکز ساختاری غالب، فرهنگ سازمانی حاکم، تغییرات شتاب‌زده و ناهنگام مدیریتی و عوامل فکری و نگرشی، در شرایط مداخله‌گر سه مقوله اصلی نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقش شوراها در نظام تعلیم و تربیت و نقش خانواده، در راهبردها سه مقوله اصلی سیاست‌گذاری در حوزه جلب مشارکت مدنی، حکمرانی مناسب نظام آموزشی و مهندسی مجدد و پالایش ساختار نظام آموزشی و در پیامدهای دو مقوله اصلی پیامدهای فردی و پیامدهای اجتماعی وجود داشت. با توجه به ابعاد و مولفه‌های شناسایی‌شده برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه، الگوی بر اساس نظریه داده‌بنیاد آن ترسیم شد.

نتیجه‌گیری: ابعاد و مولفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه برای مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان وزارت آموزش و پرورش تلویحات کاربردی بسیاری دارد. آنان برای تقویت و ارتقای پیوند مدرسه و جامعه می‌توانند زمینه را برای بروز و تحقق ابعاد و مولفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش فراهم آورند.

واژگان کلیدی: پیوند مدرسه و جامعه، نظریه داده‌بنیاد، عوامل ساختاری، عوامل محتوایی، آموزش و پرورش.

^۱ دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. p.shayesteh1384@gmail.com

^۲ دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول). hshafizadeh@iau-garmsar.ac.ir

^۳ دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. drnasoleimani@yahoo.com

جامعه و همه نظام‌های اجتماعی آن متشکل از ارزش‌ها و انتظارهایی است که آنها را به دیگر نهادهای جامعه از جمله مدرسه القاء می‌کند. بنابراین، نظام‌های اجتماعی با توجه به ارزش‌ها و ساختار و مسائل و مناسبات فرهنگی که دارد نوعی رابطه و پیوند بین جامعه و مدرسه برقرار می‌کند و بر همین اساس رابطه بین جامعه و مدرسه می‌تواند یک رابطه پویا و پیش‌رونده باشد (Khodarahmi and Malaki, 2016). مدرسه آینه جامعه و سلسله‌مراتب اجتماعی در چهارچوب نظام آموزش و پرورش است که در محیط اجتماعی پیوسته در حال تغییر و تحول فعالیت می‌کند و مستقیم یا غیرمستقیم بر جامعه اثر می‌گذارد و از آن اثر می‌پذیرد. همچنین، جوامع امروز سیستم مدرسه را مسئول ادامه زندگی اجتماعی و ارتقای فرد در چهارچوب انتظارات جامعه در نظر می‌گیرد و تقریباً همه جوامع، آموزش و پرورش خود را با چشم‌اندزای جهانی و بر اساس نیازهای جامعه شکل می‌دهند (Poodineh, Hosseingholizadeh and Mahram, 2018). مدرسه مکانی امن و سرشار از برنامه‌های آموزشی، تربیتی و پرورشی برای همه دانش‌آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان، ایجاد آمادگی متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه جهت زندگی در جامعه می‌باشد (Pericas, Clotas, 2022). (Espelt, Lopez, Bosque-Prous, Juarez and Bartroli, 2022).

مدارس نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و فرصت‌های اجتماعی دارند و کودکان اولین تعامل‌های خود را در سیستم آموزشی در حدود پنج یا شش سالگی برقرار می‌کنند و حدود ۱۲ تا ۱۳ سال از عمر خود را یعنی تا سن هجده سالگی در مدرسه می‌مانند (Fan and Liang, 2020). مدرسه پس از خانه مهم‌ترین مکانی است که کودکان در آن به سر می‌برند و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مختلف را در آن یاد می‌گیرند. بنابراین، مدرسه نقش مهمی در جامعه‌پذیری کودکان دارد (Chen and Feng, 2019). دانش‌آموزان در مدرسه فرصت مناسبی را برای ارتباط با معلمان، معاونان، مدیر و همسالان که به رشد سالم آنها کمک می‌کنند، به دست می‌آورند (Damayanti, Sudira and Nopriani, 2020). مدرسه‌ها هم مسئول آموزش دانش‌ها و مهارت‌ها و هم مسئول ایجاد هنجارها و ارزش‌های اجتماعی هستند. بنابراین، مدرسه‌ها با موضوع‌های پیچیده‌ای که تاثیر انکارناپذیری بر کارکرد آنها دارند، روبرو می‌باشند و از آنها انتظار می‌رود که دانش‌آموزان را با محیط یادگیری سالم و مناسبی مواجه سازند که بتوانند هم به سطح مطلوبی از دانش‌ها و مهارت‌ها و هم به سطح مطلوبی از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دست یابند (Sullivan, Sadeh and Hourri, 2019). مدرسه یک محیط اجتماعی بزرگ است که در آن دانش‌آموزان از اعتقادات، ارزش‌ها، معیارها و نگرانی‌های مشترک برخوردار هستند و عملکردهای شناختی، عاطفی و مهارتی اساسی دانش‌آموزان از طریق مدرسه شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود (Horoz, Buil, Koot, Van Lenthe, 2022). (Houweling, Koot and Van Lier, 2022).

طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدرسه باید بتواند اهداف زیر را محقق سازد: ۱. مکانی مناسب برای تربیت انسانی مومن و متخلق به اخلاق اسلامی، آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه، صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع، ایثارگر، وطن‌دوست، جمع‌گرا، منتظر و جهانی‌اندیش، بارآده، امیدوار، خودباور، دارای عزت‌نفس، دانا و توانا، پاک‌دامن و باحیا، انتخاب‌گر و آزادمنش، خلاق و کارآفرین و مقتصد، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر باشد. بنابراین، شایستگی‌های پایه در ساحت‌های تعلیم و تربیت و آماده ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را داشته باشد. ۲. قادر به ایجاد آمادگی حداکثری و افزایش نقش دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور و برپایی جامعه صالح اسلامی، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی. ۳. زمینه‌ساز برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی. ۴. تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی، بهداشتی و زیست‌محیطی. ۵. زمینه‌ساز تحقق همه‌جانبه عدالت تربیتی برای دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور. ۶. ایجاد زمینه برای ارتقای بهره‌وری مدیریت منابع در مدارس بر اساس نظام معیار اسلامی

۷. افزایش مشارکت و اثربخشی افراد جامعه و اولیا در رشد و تعالی تعلیم و تربیت مدرسه‌ای. ۸. بهسازی و متحول‌سازی نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های کالبدی و فناوری مدارس سراسر کشور. ۹. کمک به مشارکت مدارس در دستیابی کشور به رتبه نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی (Marzoghi, Jahani, 2018). (Torkzadeh and Amiri Tayebi, 2018).

ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر قاطعی بر برنامه‌های درسی و فرآیند تدوین آنها دارد و جامعه و مسائل و نیازهای آن یک منبع مهم و ارزشمندی برای تشخیص نیازها در برنامه‌درسی مدرسه است. نیازهای اجتماعی باید در برنامه‌درسی مدرسه مطرح شوند تا برنامه‌درسی به برنامه‌درسی واقعی تبدیل شود. در کنار جامعه، مدراس نهادهای اجتماعی هستند که باید سعی کنند خود نیز عامل تغییر باشند و همگام با تغییرات اجتماعی متحول گردند و مدارس نمی‌توانند نسبت به نیازهای ضروری جامعه بی‌اعتنا باشند (Khodarahmi

and Malaki, 2016). در گذشته برای تحقق اهداف نظام‌های آموزشی کمتر به نقش جامعه اهمیت دارند و بیشتر بر نقش خود مدرسه و خانواده تاکید شده است (Griffin and Steen, 2010). امروزه ثابت شده است که آموزش موثر در مدارس بدون مشارکت جدی جامعه به ویژه جامعه محلی و خانواده نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای صورت پذیرد. بنابراین، ضروری است که معلمان و مسئولان مدارس از محیط زندگی، فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر محیط خانواده کودک آگاهی یابند تا بتوانند برنامه‌های آموزشی خود را با همکاری والدین بهبود بخشند (Ralejoe, 2021). نظام آموزشی و مدرسه کارآمد و اثربخش، محیطی آموزشی است که در آن به جامعه اجازه مداخله برای بهبود تربیت و آموزش فرزندان را بدهد و اقدام به حمایت و تشویق مداخله‌هایی در این زمینه نماید (Kuusimaki, Uusitalo- Malmivaara and Tirri, 2019). نظریه همپوشانی حوزه‌های تاثیر بر پیوند و تعامل مدرسه، خانواده و اجتماع‌های محلی متمرکز است و بر اساس آن برنامه‌های مدرسه و شیوه‌های تاثیرگذار بر رفتار والدین و موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه طراحی می‌شود و توسعه می‌یابد. بر اساس این نظریه دانش‌آموزان زمانی بیشتر مطالب را یاد می‌گیرند که والدین، مربیان و اعضای اجتماع‌های محلی برای هدایت و حمایت از یادگیری دانش‌آموزان و توسعه آنها با هم و در یک راستا فعالیت کنند (Leith, 2016).

پژوهش‌هایی درباره پیوند مدرسه و جامعه یا پیونده خانواده، مدرسه و جامعه انجام شده، اما پژوهشی اقدام به طراحی الگو برای آن با توجه به نظریه داده‌بنیاد نکرده است و در ادامه خلاصه مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر گزارش می‌شوند.

Mohammadi Pouya, Adib and Zarei (2020) ضمن پژوهشی درباره راهبردهای مناسب افزایش پیوند خانه، مدرسه و جامعه به این نتیجه رسیدند که راهبردهای مناسب در بعد فرزندپروری شامل ایجاد مرکز کتابخانه‌ای برای والدین، برنامه‌های حمایت خانواده، مدیریت فضای مجازی با تشکیل کانال‌های مدرسه‌ای و برگزاری کارگاه‌های آموزش والدین؛ در بعد ارتباطی شامل ایجاد کانال‌های ارتباطی شفاهی و رودررو، ارتباطی کتبی و اینترنتی، کارت‌های گزارش عملکرد دانش‌آموزان، بکارگیری یک رابطه مدرسه/خانه و ایجاد اطلاع‌رسانی؛ در بعد مشارکت داوطلبانه شامل ارزیابی استعدادها و والدین، تقویت باورپذیری در والدین داوطلب، دعوت از داوطلبان در رویدادهای مدرسه، نظرسنجی سالانه، نظارت بر نحوه اخذ کمک‌های مالی و طرح‌ریزی یک برنامه منعطف؛ در بعد یادگیری در خانه شامل مجموعه‌ای از راهبردها مثل آموزش تخصصی معلمان با محوریت یادگیری در خانه، آموزش تخصصی والدین با محوریت ارائه راهنمای تکالیف خانگی و تقویت رفتار تعاملی دانش‌آموز با محوریت ارائه تکالیف خانگی تعاملی؛ در بعد تصمیم‌گیری شامل تشکیل سازمان والدین، تهیه چک‌لیست انتظارات والدین، تشویق والدین به مشارکت در فرصت‌های غیررسمی، گزینش افراد انتخاب شده به عنوان نماینده اولیاء در اقوام و گروه‌های مختلف اجتماع و در بعد همکاری با سازمان‌های اجتماعی شامل شناسایی سازمان‌های مرتبط با امور مدارس، دعوت از سازمان‌های اجتماعی، شبکه‌سازی مدارس و دسترسی به نقشه منابع اجتماعی بودند.

Myende (2019) ضمن پژوهشی درباره ایجاد مشارکت‌های کاربردی و پایدار مدرسه و جامعه به این نتیجه رسید که مشارکت مدرسه و جامعه یکی از مکانیسم‌های مهم برای رسیدگی به چالش‌هایی است که مدرسه به تنهایی نمی‌تواند آنها را برطرف کند که برای مشارکت مدرسه و جامعه نیاز به اطمینان از وجود برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی، ارتباطات دوطرفه موثر، اشتیاق برای رسیدگی به مسائل قدرت و ایجاد فرهنگی است که رهبری مشارکتی را ارتقاء دهد که در این میان رهبری معلم در عملکرد و تداوم مشارکت‌ها نقش اساسی دارد. Shahri, Shirbagi and Bolandhematan (2019) ضمن پژوهشی درباره تحلیل مداخله خانواده‌ها و اجتماعات محلی در فرآیندهای آموزشی و مدیریتی مدارس به این نتیجه رسیدند که در بحث تاثیر مداخله بر یادگیری مقوله‌های نهادینه کردن ارزش‌های اجتماعی، آموزشی و مذهبی توسط اجتماعات محلی و والدین، تشویق فعالیت‌های دانش‌آموز، تقویت رفتارهای مربوط به یادگیری، آموزش روش‌های یادگیری و مسائل زندگی توسط اجتماعات محلی و والدین، عاطفی، اجتماعی و مادی و در بحث موانع مداخله بر یادگیری مقوله‌های شرایط و ویژگی‌های والدین، ویژگی‌های دانش‌آموز، عدم انعطاف معلمان، مشکلات اقتصادی و نبود فرهنگ مداخله شناسایی شد.

Marzoghi et al (2018) ضمن پژوهشی درباره الگوی مفهومی تعامل مدرسه، خانواده و مسجد بر اساس تعلیم و تربیت اسلامی به این نتیجه رسیدند که شبکه مضامین الگوی مفهومی مذکور به عنوان تنها مضمون فراگیر از طریق مضامین سازمان‌دهنده چپستی، چرایی و چگونگی تعامل ترسیم شد؛ به طوری که چپستی تعامل مبانی اندیشه‌ای، جهت‌گیری تعامل، محور تعامل و مخاطبین تعامل را شامل می‌شود، چرایی تعامل مشتمل بر مضامین مدیریتی و تربیتی و چگونگی تعامل از مضامین رفع موانع، اقدامات زمینه‌ساز ایجاد تعامل، اقدامات زیربنایی ایجاد تعامل و راهبردهای ایجاد تعامل تشکیل می‌شود. بدین ترتیب از مهم‌ترین مضامین پایه برای مضامین سازمان‌دهنده می‌توان تولی و تبری، جهت‌گیری توحیدی، همگرایی در اهداف، تفاوت‌های فرهنگی، پاسخگویی به محیط، مجریان ناکارآمد و تدوین قوانین هدایت‌گر را نام برد.

Khodarahmi and Malaki (2016) ضمن پژوهشی درباره رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه‌درسی دوره متوسطه به این نتیجه رسیدند که تاثیر جامعه در فضای روانی اجتماعی مدرسه شامل سه مقوله نظام اجتماعی، مسائل سیاسی اجتماعی و مناسبات فرهنگی،

تأثیر جامعه در نوع نگرش دبیران نسبت به برنامه‌درسی شامل دو مقوله معلم عامل تغییر و معلم ابزار انتقال، تأثیر جامع در اهداف و محتوای برنامه‌درسی شامل یک مقوله ارتباط پویای جامعه و برنامه‌درسی، نقش مدرسه در ثبات اجتماعی شامل یک مقوله زمینه‌ساز ثبات، نقش مدرسه در تغییر اجتماعی شامل دو مقوله تأثیر بالقوه و تأثیر بالفعل و نقش مدرسه در مسائل و مشکلات اجتماعی شامل دو مقوله بسترساز حل مشکل و بسترساز ایجاد مشکل بود. Rezaii Sharif, Gazi Tabatabaei, Hejazi and Ejei (2012) ضمن پژوهشی درباره دیدگاه دانش‌آموزان درباره پیوند با مدرسه به این نتیجه رسیدند که پیوند با مدرسه از شش مولفه دل‌بستگی به مدرسه از بعد سازمانی، دل‌بستگی به معلمان، دل‌بستگی به کارکنان مدرسه، مشغولیت در مدرسه، باور به مدرسه و تعهد به مدرسه تشکیل شده است. Ghazi Tabatabaie, Hejazi and Rezaie Sharif (2010) ضمن پژوهشی درباره تئوری‌های مساله اجتماعی پیوند با مدرسه در دانش‌آموزان ابتدایی به این نتیجه رسیدند که چهار عامل دل‌بستگی به معلمان، دل‌بستگی به مدرسه، تعهد به مدرسه و مشارکت نقش موثری در پیوند با مدرسه داشتند.

Griffin and Steen (2010) ضمن پژوهشی درباره مشارکت مدرسه، خانواده و جامعه با بکارگیری نظریه اپشتین درباره شش نوع مشارکت به این نتیجه رسیدند که از میان شش نوع مشارکت یعنی والدین، برقراری ارتباط، داوطلب‌شدن، یادگیری در خانه، تصمیم‌گیری و همکاری با جامعه، مشارکت‌های بیشتر در فرزندپروری و همکاری و تعامل با جامعه نقش بیشتر و موثرتری در بهبود وضعیت دانش‌آموزان داشتند. شرایط نظام آموزشی در بعد ارتباط با جامعه مناسب نیست، در حالی که ارتباط و پیوند تعلیم و تربیت با دنیای دانش‌آموزان و زندگی آنها در خارج از مدرسه امری غیرقابل‌انکار می‌باشد که تا حد زیادی انگاره ذهنی بسیاری از صاحب‌نظران را در گفت‌وگوهای متفاوت تحت‌الشعاع قرار داده است. البته این موضوع در دهه‌های گذشته موجبات تلاش‌های فراوانی را در بین متخصصان و علاقه‌مندان در راستای تبیین و طراحی الگوهای متناظر با زندگی خارج از مدرسه برای دانش‌آموزان فراهم کرده است (Mohammadi Pouya et al., 2020). همچنین، دو نهاد مدرسه و جامعه بعد از خانواده از اثرگذارترین نهادهای آموزشی و تربیتی هستند که ایجاد هماهنگی، همکاری و تعامل مثبت و سازنده بین آنها برای رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی اهمیت زیادی دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به متخصصان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش و جامعه در ارائه راهکارهایی برای تقویت و ارتقای پیوند بین دو نهاد بسیار مهم آموزشی و پرورشی یعنی مدرسه و جامعه کمک شایانی نماید. بنابراین، هدف این مطالعه شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد بود.

روش‌شناسی

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، کیفی بود. جامعه پژوهش اساتید و خبرگان، سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش، مدیران ادارات کل آموزش و پرورش و مدیران مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری ۱۸ نفر تعیین که این تعداد با روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. لازم به ذکر است که از میان ۱۸ نفر نمونه پژوهش حاضر تعداد ۴ نفر اساتید و خبرگان، تعداد ۲ نفر سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش، تعداد ۲ نفر مدیران ادارات کل آموزش و پرورش و تعداد ۱۰ نفر مدیران مدارس بودند. طبق اصل اشباع نظری هیچ قاعده خاصی برای انتخاب نمونه‌ها قبل از شروع پژوهش وجود ندارد و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که نمونه‌های جدید نتواند مطلبی به مطالب و یافته‌های قبلی بیفزایند که در این مطالعه پس از مصاحبه با نفر هجدهم پژوهش به اشباع رسید. همچنین، در روش نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌ها با توجه به اهداف یا ملاک‌هایی از قبل تعیین شده انتخاب می‌شوند و در روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی نیز از نمونه‌های انتخاب‌شده خواسته می‌شود تا سایر نمونه‌هایی که دارای شرایط ورود به مطالعه هستند را به پژوهشگران معرفی نمایند.

در این مطالعه ملاک‌های ورود به مطالعه برای اساتید و خبرگان شامل عضو هیأت‌علمی حداقل پیمانی، تحصیلات دکتری و تحصیل در زمینه مدیریت آموزشی یا مرتبط با علوم تربیتی، برای سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش شامل سابقه سمت‌های ستادی یا اجرایی در وزارت آموزش و پرورش، سیاست‌گذار یا تصمیم‌گیرنده در حوزه‌های تحول در نظام آموزش و پرورش شامل طرح‌های تعالی مدیریت مدرسه، طرح مدارس سرآمد، نظام مبتنی بر مدرسه‌محوری، طرح همگام و غیره، آشنایی کامل با مبانی و ارکان و ابعاد اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش از جمله سند تحول بنیادین، سند برنامه‌درسی ملی و غیره، تحصیلات دکتری و تحصیل در زمینه مدیریت آموزشی یا مرتبط با علوم تربیتی، برای مدیران ادارات کل آموزش و پرورش شامل شناخت کامل سیاست‌ها و اسناد تحولی در سطح مدارس، اشراف کامل بر وضعیت مدارس و منابع مالی و انسانی و امکانات فیزیکی موجود در سطح استان، حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد و تحصیل در زمینه مدیریت آموزشی یا مرتبط با علوم تربیتی و برای مدیران مدارس شامل سابقه مدیریتی ۱۲ سال و بالاتر در دوره متوسطه، حداقل تحصیلات کارشناسی، تحصیل در زمینه مدیریت آموزشی یا مرتبط با علوم تربیتی و موفق و دارای حسن عملکرد در مدارس از طریق معرفی معلمان و همکاران بودند.

ابزارهای گردآوری داده‌های این مطالعه شامل فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی (شامل رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی، محل خدمت، جنسیت و دامنه سنی) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بودند. مصاحبه می‌تواند برای آگاه‌سازی پژوهشگران از دیدگاه‌های افراد، چگونگی شکل‌گیری مشترک آنها و آگاهی از انگیزه‌های تصمیم‌گیری‌ها و ادراک از تجارب آنان شیوه مناسبی باشد. در این مطالعه سوال‌های مصاحبه بر اساس مبانی نظری و با کمک اساتید راهنما و مشاور طراحی شد که سوال‌های آن در جدول ۱ گزارش شد. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی انجام و مدت زمان آنها بین ۳۰ تا ۱۲۰ دقیقه طول کشید. لازم به ذکر است که در این مطالعه به دلیل وجود برخی زوایای مبهم در گفتارهای مصاحبه‌شوندگان یا زمان ناکافی جلسه اولیه با توجه به رخدادهای پیش‌بینی نشده برای پاسخگویی، پژوهشگر مجبور شد تا به انجام یک جلسه مصاحبه بسنده نکند و قرار مصاحبه دیگری را برای تکمیل فرآیند مصاحبه بگذارد. روایی مصاحبه‌ها با روش‌های مثلث‌سازی (مثلث‌سازی به استفاده از منابع متعدد داده‌ها برای ترسیم نتایج درباره آنچه که حقیقت را تشکیل می‌دهد، اشاره دارد و در این مطالعه پژوهشگر از روش مثلث‌سازی منابع داده‌ها استفاده نمود که بدین منظور از منابع سه‌گانه‌ای شامل ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصین که همه اساتید مقطع متوسطه و دارای تخصص و تألیف در حوزه موضوعی پژوهش بودند، ۶ نفر از مدیران عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش و ۲ نفر از مدیران با سابقه و برتر در مدارس مصاحبه شد تا بدین طریق دیدگاه‌های مختلف و متنوع‌تری بررسی شود و داده‌های جامع‌تر و عمیق‌تری درباره پیوند مدرسه و جامعه بدست آید) و بررسی همکار (در این شیوه هدف کسب توافق بین کدگذاران بود که بدین منظور چند نمونه از مصاحبه‌ها به وسیله دو نفر کدگذار مورد بررسی و توافق قرار گرفت) تایید و پایایی آن با ضریب کاپای کوهن ۰/۷۹ محاسبه شد.

جدول ۱. سوال‌های مصاحبه پژوهش حاضر

ردیف	سوال
۱	وضعیت موجود پیوند مدرسه و جامعه در ایران چگونه است؟
۲	ریشه‌ها و تاریخچه پیوند مدرسه و جامعه در ایران چگونه است؟
۳	مهم‌ترین اهداف پیوند مدرسه و جامع در ایران چیست؟
۴	عوامل بازدارنده و عوامل تقویت‌کننده پیوند مدرسه و جامعه در ایران کدام است؟
۵	چه اقدام‌ها و راهبردهایی برای پیوند مدرسه و جامعه در ایران پیشنهاد می‌کنید؟
۶	چه تجربه‌های مثبتی از پیوند مدرسه و جامعه در سایر کشورها وجود دارد؟

برای انجام این پژوهش ابتدا مبانی نظری مطالعه و با کمک اساتید، سوال‌هایی جهت مصاحبه طراحی شد. در مرحله بعد اقدام به شناسایی نمونه‌ها شد و پژوهشگران نمونه‌هایی را که می‌شناختند با توجه به ملاک‌های ورود به مطالعه به عنوان نمونه انتخاب کردند (نمونه‌گیری هدفمند) و از آنها نیز خواستند تا سایر افرادی که دارای ملاک‌های ورود به مطالعه هستند را به پژوهشگران معرفی نمایند (نمونه‌گیری گلوله‌برفی) که برای همه نمونه‌ها پس از ملاقات حضوری یا تماس تلفنی اهمیت و ضرورت پژوهش و رعایت ملاحظات اخلاقی بیان و آنان برای مشارکت در پژوهش مجاب شدند. با آنها درباره مکان و زمان مصاحبه هماهنگی لازم به عمل آمد و در مکان و زمان از قبل تعیین شده مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده حضور یافتند و سوال‌های مصاحبه گزارش شده در جدول ۱ از همه آنها پرسیده شد. مصاحبه‌کننده در حین پاسخگویی مصاحبه‌شونده به هر یک از سوال‌ها اقدام به یادداشت مطالب مهم و کلیدی کرد و علاوه بر آن همه مصاحبه‌ها ضبط و به صورت واژه به واژه و دقیق در فرصتی مناسب بررسی و مطالب مهم و کلیدی فراموش شده آنها نیز یادداشت شد. لازم به ذکر است که مصاحبه با چند نفر از اعضای نمونه به دلیل وجود برخی زوایای مبهم در گفتارهای مصاحبه‌شوندگان یا زمان ناکافی جلسه اولیه با توجه به رخدادهای پیش‌بینی نشده برای پاسخگویی در یک جلسه تمام نشد و جلسه مصاحبه دومی در نظر گرفته شد. در پایان از مصاحبه‌شوندگان به دلیل همکاری با پژوهشگر و مشارکت در پژوهش تشکر شد.

داده‌های این مطالعه بر مبنای نظریه داده‌بنیاد تحلیل شدند که این نظریه شامل شش مقوله شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها است. شرایط علی مقوله‌های مربوط به شرایطی هستند که بر پدیده محوری تاثیر می‌گذارند. شرایط زمینه‌ای مقوله‌های مربوط به شرایط خاصی هستند که بر راهبردها اثر می‌گذارند. شرایط مداخله‌گر مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها اثر می‌گذارند. پدیده محوری یک صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرآیند می‌باشد. راهبردها کنش‌ها و واکنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند. در نهایت اینکه پیامدها خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها می‌باشند. لازم به ذکر است که در این مطالعه داده‌ها با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر مبنای نظریه داده‌بنیاد در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۱ تحلیل شدند.

یافته‌ها

در این مطالعه ۴ نفر اساتید و خبرگان، ۲ نفر سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش، ۲ نفر مدیران ادارات کل آموزش و پرورش و ۱۰ نفر مدیران مدارس شرکت داشتند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آنها شامل رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی، محل خدمت، جنسیت و دامنه سنی در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش حاضر

متغیر	سطح	فراوانی	درصد فراوانی
رشته تحصیلی	مدیریت آموزشی	۵	۲۷/۷۸
	مدیریت تعلیم و تربیت	۱	۵/۵۶
	مدیریت دولتی	۱	۵/۵۶
	علوم تربیتی	۳	۱۶/۶۷
	مشاوره	۳	۱۶/۶۷
مدرک تحصیلی	مرتبط با علوم تربیتی	۵	۲۷/۷۸
	دکتری	۵	۲۷/۷۸
	کارشناسی ارشد	۱۱	۶۱/۱۱
محل خدمت	کارشناسی	۲	۱۱/۱۱
	دانشگاه	۴	۲۲/۲۲
	وزارت آموزش و پرورش	۲	۱۱/۱۱
جنسیت	اداره کل آموزش و پرورش	۲	۱۱/۱۱
	مدرسه	۱۰	۵۵/۵۶
	مرد	۱۴	۷۷/۷۸
	زن	۴	۲۲/۲۲
	دامنه سنی	۳۱-۴۰ سال	۴
	۴۱-۵۰ سال	۴	۲۲/۲۲
	۵۱-۶۰ سال	۱۰	۵۵/۵۶

در جدول ۲، فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش حاضر شامل رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی، محل خدمت، جنسیت و دامنه سنی قابل مشاهده است. مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد در جدول ۳ گزارش شد.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد

نظریه داده‌بنیاد	مقوله اصلی	زیرمقوله
پدیده محوری	پیوند مدرسه و جامعه در ایران	۱. پاسخگویی اجتماعی، ۲. مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ۳. مشارکت‌جویی مدرسه
شرایط علی	عوامل ساختاری	۱. الزامات اسناد بالادستی، ۲. چشم‌اندازهای کلان، ۳. جهت‌گیری فکری و فلسفی تربیتی حاکم و ۴. سیاست و راهبردهای توسعه آتی کلان
شرایط زمینه‌ای	عوامل محتوایی	۱. همسویی برنامه‌های درسی و متناسب‌سازی محتوای آموزشی با نیاز جامعه، ۲. آموزش در زمینه مسائل زیست‌محیطی و ۳. پایش ادواری عملکرد مدارس توسط ذینفعان محلی
	تمرکز ساختاری غالب	۱. استیلای ساختار سلسله‌مراتبی، ۲. تمرکز غالب بر برنامه‌های درسی و ۳. تمرکز ساختاری در برنامه‌های آموزشی
	فرهنگ سازمانی حاکم	۱. فرهنگ سازمانی مبتنی بر نقش دانش‌آموزان و ۲. پشتیبانی از نقش خانواده و جامعه محلی
	تغییرات شتاب‌زده و نابهنگام مدیریتی	۱. عزل و نصب غیرمترقبه در سطح مدیران ستادی، میانی و اجرایی آموزش و پرورش و ۲. سوگیری‌های سیاسی و جناحی در انتصاب مدیران
	عوامل فکری و نگرشی	۱. جایگاه آموزش و پرورش نزد جامعه مدنی و افکار عمومی، ۲. جایگاه و منزلت معلم و ۳. جایگاه

آموزش و پرورش در بودجه عمومی کشور

شرایط مداخله‌گر	نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی	۱. جلب مشارکت مردمی در امر آموزش و پرورش و ۲. اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی
	نقش شوراهای در نظام تعلیم و تربیت	۱. ظرفیت‌های بی‌بديل قانونی شوراهای و ۲. جهت‌گیری تمرکززدا و مشارکت در تصمیم‌گیری
	نقش خانواده	۱. مهارت‌های تربیتی والدین، ۲. ارتباط مدرسه و خانه و ۳. مشارکت در تصمیم‌گیری و هماهنگی با جامعه
راهندها	سیاست‌گذاری در حوزه جلب مشارکت مدنی	۱. تقویت مشارکت مردمی برای تاثیرگذاری بر سیاست‌گذاری کلان، ۲. کاهش تصدی‌گری دولت و تمرکزگرایی و ۳. تقویت مشارکت مردم و سایر ذینفعان در امور آموزش و پرورش
	حکمرانی مناسب نظام آموزشی	۱. تدوین سیاست‌های مناسب درباره حکمرانی تربیتی مناسب و پیاده‌سازی آن نظام آموزشی، ۲. نقش فعال دولت در بسترسازی برای تقویت مشارکت نهادهای مردمی و ۳. کاهش تصدی‌گری دولت و فعال‌سازی ظرفیت‌های بخش خصوصی
	مهندسی مجدد و پالایش ساختار نظام آموزشی	۱. زدایش تمرکز ساختاری در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی، ۲. زدایش تمرکز ساختاری حاکم بر محتوای آموزشی و ۳. زدایش ساختارهای اختاپوسی از آموزش و پرورش
پیامدها	پیامدهای فردی	۱. آموزش و پرورش به مثابه گفت‌وگو ملی، ۲. ارتقای هوشیاری اجتماعی و ۳. توسعه سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی
	پیامدهای اجتماعی	۱. توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی فراگیران، ۲. توسعه آرمان‌های آموزشی و شغلی فراگیران و ۳. رشد و توسعه مقبولیت اجتماعی

در جدول ۳، برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه ۴۲ زیرمقوله در ۱۵ مقوله اصلی شناسایی شد؛ به طوری که در پدیده محوری یک مقوله اصلی پیوند مدرسه و جامعه در ایران، در شرایط علی دو مقوله اصلی عوامل ساختاری و عوامل محتوایی، در شرایط زمینه‌ای چهار مقوله اصلی تمرکز ساختاری غالب، فرهنگ سازمانی حاکم، تغییرات شتاب‌زده و ناپهنگام مدیریتی و عوامل فکری و نگرشی، در شرایط مداخله‌گر سه مقوله اصلی نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقش شوراهای در نظام تعلیم و تربیت و نقش خانواده، در راهندها سه مقوله اصلی سیاست‌گذاری در حوزه جلب مشارکت مدنی، حکمرانی مناسب نظام آموزشی و مهندسی مجدد و پالایش ساختار نظام آموزشی و در پیامدهای دو مقوله اصلی پیامدهای فردی و پیامدهای اجتماعی وجود داشت. با توجه به مقوله‌های اصلی الگوی پیوند مدرسه و جامعه، الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد در شکل ۱ گزارش شد.



شکل ۱. الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت پیوند و ارتباط مدرسه و جامعه، هدف این مطالعه شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد بود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه ۴۲ زیرمقوله در ۱۵ مقوله اصلی شناسایی شد؛ به طوری که در پدیده محوری یک مقوله اصلی پیوند مدرسه و جامعه در ایران، در شرایط علی دو مقوله اصلی عوامل ساختاری و عوامل محتوایی، در شرایط زمینه‌ای چهار مقوله اصلی تمرکز ساختاری غالب، فرهنگ سازمانی حاکم، تغییرات شتاب‌زده و ناهنگام مدیریتی و عوامل فکری و نگرشی، در شرایط مداخله‌گر سه مقوله اصلی نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقش شوراها در نظام تعلیم و تربیت و نقش خانواده، در راهبردها سه مقوله اصلی سیاست‌گذاری در حوزه جلب مشارکت مدنی، حکمرانی مناسب نظام آموزشی و مهندسی مجدد و پالایش ساختار نظام آموزشی و در پیامدهای دو مقوله اصلی پیامدهای فردی و پیامدهای اجتماعی وجود داشت.

با اینکه پژوهشی درباره الگوی پیوند مدرسه و جامعه بر اساس نظریه داده‌بنیاد انجام نشده، اما پژوهش‌هایی درباره پیوند مدرسه و جامعه انجام شده که می‌توان یافته‌های این مطالعه را همسو با یافته‌های پژوهش‌های Myende (2020)، Mohammadi Pouya et al (2019)، Shahri et al (2019)، Marzoghi et al (2018)، Khodarahmi and Malaki (2016)، Rezaii Sharif (2019) et al (2012)، Ghazi Tabatabaie et al (2010) و Griffin and Steen (2010) دانست.

در تشریح یافته‌های این مطالعه می‌توان استنباط کرد که پیوند و ارتباط مدرسه و جامعه در آغاز هزاره سوم در مسیر توسعه کشور از مجرای نقش‌آفرینی مولفه‌های متعددی چون پاسخگویی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت‌جویی مدارس محقق می‌شود. در این مسیر تحقق اهداف نظام آموزشی مستلزم تعامل و ارتباط گسترده و مستحکم مدرسه و جامعه خواهد بود. هیچ یک از عناصر مدرسه و جامعه به تنهایی نمی‌تواند مسئولیت کامل آموزش و تربیت کودکان را برعهده بگیرد. دلیل وجود مدارس این است که همه کودکان را به طور موثر آموزش دهد تا برای نقش‌های مختلفی که به‌عنوان بزرگسال در جامعه عهده‌دار آن خواهند شد، آماده شوند. با این حال مدارس نمی‌توانند و نباید به‌عنوان نهادهای مجزا و منحصر به فرد در جامعه عمل نمایند. در نتیجه، مدارس باید مشارکت جامعه را به‌عنوان یکی از راهبردهای موثر در بهبود دسترسی به منابع و کیفیت آموزشی به رسمیت شناخته و چنین خط‌مشی‌ای بر چگونگی تحرک بخشی به جامعه برای مشارکت و حمایت از مدارس را خاطر نشان ساخته که تحقق آن مستلزم هماهنگی و همسویی مدرسه با انتظارات جامعه با تأکید بر حوزه‌هایی چون مسئولیت اجتماعی مدارس، پاسخگویی اجتماعی مدارس و مشارکت‌جویی مدارس بوده که این سه متغیر حلقه پیوند مدرسه و جامعه در تحقق اهداف و رسالت‌های نظام‌های آموزشی می‌باشند. مسئولیت اجتماعی در مدارس مسئولیتی داوطلبانه است که اعضای مدرسه در برابر جامعه و محیط‌زیست با پذیرش اصول اخلاقی، توسعه ارزش‌های دموکراتیک و پایدار، رفتار شفاف و اخلاق در مشارکت فعال داوطلبانه، خودآموزی رفتار مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهد به در نظر گرفتن نیازهای ذینفعان در چهارچوب قوانین و استانداردهای بین‌المللی انجام می‌دهند. بنابراین، مدرسه می‌تواند با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و تخصیص امکانات لازم و ایجاد برنامه‌های مناسب و متنوع برای دانش‌آموزان به غیر از محتوای آموزشی بر رفتار و اجتماعی کردن دانش‌آموزان و همسازی با اخلاق اجتماعی از طریق انتقال ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی مطلوب و مناسب تاثیرهای شگرفی داشته باشد. علاوه بر آن، پاسخگویی اجتماعی مدارس به محیط، مساله اصلی و مرکز ثقلی برای رشد کیفی مدارس محسوب می‌شود و می‌تواند به‌عنوان عامل مهمی برای توسعه و عملکرد اثربخش مدارس همسو با انتظارات جامعه مبدل شود. بنابراین، پاسخگویی موثر و کارآمد مدارس به‌عنوان حلقه مفقوده در این زمینه خواهد بود؛ به نحوی که درک بهتر مدارس از ابعاد و مولفه‌های پاسخگویی به محیط و حضور یا عدم حضور این عوامل موثر پیامدهای توجهی برای مدارس، مدیران و سیاست‌گذاران نظام آموزشی و در سطح کلان برای جامعه خواهد داشت. بر این اساس، مدرسه‌ای موفق خواهد بود و به بقای خود در محیط کمک خواهد کرد که ضمن ارزیابی و تقویت مستمر توان پاسخگویی خود، بستر مناسبی جهت شکل‌گیری هر سه بعد کلیدی پاسخگویی شامل بعد مفهومی، ساختاری و عملکرد را فراهم ساخته و متناسب با اقتضات محیط حال و آینده اقدام‌های لازم را در سطوح و لایه‌های مختلف مدرسه پرورش انجام دهد و از این طریق به بقای خود در محیط پرقابلیت امروز باری رساند.

برای پیوند مدرسه و جامعه باید از یک سو هر گونه تغییر و تحولی را در جهت ایجاد گفتمان قالب فکری حاکم بر افکار عمومی در جهت پیوند نظام آموزشی و جامعه ایجاد کرد و از سوی دیگر تغییر نگرش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور در محوریت آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز توسعه باشد. برای این منظور مطالعه تجربه‌های کشورهای توسعه‌یافته موید همسویی و هم‌نوایی تمامی ساختارها و منابع کشور در راستای توسعه، تقویت و ترغیب نظام آموزش و پرورش کشور در چهارچوب نیاز فعلی و سرمایه‌گذاری برای نیازهای فردا است. تحقق چنین مواردی وابسته به سیاست‌گذاری موثر و اصولی در راستای توسعه جلب مشارکت جامعه مدنی در تمامی حوزه‌ها و ساحت‌های مربوط به آموزش و پرورش از طریق استراتژی‌های بازتاتی خاصی است که از یک سو زمینه‌ساز توسعه ساختاری و فراساختاری نظام آموزشی و از سوی دیگر شرایطی را برای رشد و توسعه قابلیت‌های فردی و اجتماعی فراگیران و به شکوفایی استعدادها و علائق ذاتی آنان از طریق ظرفیت‌های سازمانی و فراسازمانی و از سوی دیگر تحقق موضوع حکمرانی موثر و متناسب نظام آموزشی در

کشور همگام با مهندسی مجدد و پالایش ساختارهای متمرکز نظام آموزشی فعلی را با توجه به نقش‌آفرینی عواملی چون تمرکز ساختاری حاکم و غالب بر ساختار نظام گسترده آموزش و پرورش کشور، فرهنگ سازمانی حاکم بر نظام آموزشی، تغییرات و جابجایی‌های غیرمترقبه و شتاب‌زده در ارکان تصمیم‌گیری و مدیریتی نظام آموزش و پرورش در کلیه سطوح همراه با تفکر و نگرش غالب بر سطح جامع مدنی مبنی بر واگذاری تمام و کمال آموزش، یادگیری و پرورش به نظام آموزشی بدون هرگونه مداخله خارج از نظام ذریبط نقش فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، نقش و جایگاه شوراها و نظام شورایی همراه با نقش و جایگاه خانواده در نظام آموزش و پرورش کشور را فراهم آورد. در این راستا اصلاح و یا حتی تقویت نقش برخی از شرایط محیطی (بستر حاکم) و عوامل مداخله‌گر در این الگو و در نهایت اجرای مناسب راهبردهای ارائه‌شده در جهت پیوند مطلوب و مناسب مدرسه و جامعه، پیامدهای مطلوبی نظیر پیامدهای فردی (آموزش و پرورش به مثابه گفت‌وگو ملی، ارتقای هوشیاری اجتماعی و توسعه سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی) و پیامدهای اجتماعی (توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی فراگیران، توسعه آرمان‌های آموزشی و شغلی فراگیران و رشد و توسعه مقبولیت اجتماعی) را در ایجاد، توسعه و تعمیق همه‌جانبه سه رکن اساسی پاسخگویی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت‌جویی مدارس را به‌دنبال خواهد داشت که می‌توان آن را لازمه پیوند مدارس و جامعه در نظر گرفت.

در این پژوهش نیز محقق در طول فرآیند تحقیق با محدودیت‌هایی روبرو بوده که مهم‌ترین بخش محدودیت‌های مربوط به این پژوهش مربوط به اعضای جامعه مشارکت‌کننده در تحقیق بود. برای نمونه با توجه به اینکه بخشی از اعضای جامعه مشارکت‌کننده در این پژوهش را مدیران تشکیل داد، لذا مشغله شغلی و مسائل مرتبط با تنظیم برنامه زمانی قطعی مصاحبه‌ها با این گروه از مشارکت‌کنندگان از عوامل ایجاد محدودیت بود؛ به طوری که در غالب موارد فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و اجرای مصاحبه معوق شد. بحث مربوط به عدم ارائه اطلاعات شفاف و عدم بیان برخی حقایق سازمانی از جانب تعدادی مشارکت‌کنندگان که عمدتاً نشأت گرفته از ملاحظات شغلی و سازمانی بود، محقق را در گردآوری داده‌های دقیق و کامل با چالش مواجه نمود. محدودیت دیگر کمبود و حتی عدم وجود منابع کتابخانه‌ای و پیشینه پژوهشی مناسب و کاملاً مرتبط با مولفه‌های کلیدی مربوط به موضوع این پژوهش به رغم اهمیت موضوع این مطالعه برای نظام آموزشی مدرسه و جامعه بود.

این تحقیق به لحاظ عنوان و قلمرو پژوهشی آن در سطح کشور از ویژگی منحصر به فرد و پیشگام برخوردار بوده و می‌تواند زمینه مساعدی را برای تحقیق‌های آینده به محققان علاقه‌مند در زمینه توسعه مدرسه و جامعه فراهم کند. بنابراین، محقق درصدد آن است که توصیه‌ها و پیشنهادهایی را برای محققین آینده مطرح کند. برای مثال به محققین آتی پیشنهاد می‌شود که در راستای این موضوع از روش‌های پژوهشی دیگری نظیر دلفی، تحلیل محتوا و غیره برای ارائه الگو استفاده نمایند. پیشنهاد پژوهشی دیگر اینکه مشابه پژوهش حاضر را در عرضه نظام آموزش عالی کشور انجام دهند تا کم‌کم شاهد طراحی و جایگزینی مدل‌ها و الگوهای بومی و ایرانی به جای مدل‌ها و الگوهای غربی در زمینه پیوند موثر مدرسه و جامعه برای دستیابی به توسعه پایدار باشیم.

ابعاد و مولفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش برای الگوی پیوند مدرسه و جامعه برای مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان وزارت آموزش و پرورش تلویحات کاربردی بسیاری دارد. آنان برای تقویت و ارتقای پیوند مدرسه و جامعه می‌توانند زمینه را برای بروز و تحقق ابعاد و مولفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش فراهم آورند. بدون شک افزایش مشارکت به ایجاد حس مالکیت در مردم نسبت به آموزش و پرورش به‌ویژه مدرسه و حساسیت بیشتر آنها نسبت به آنچه در مدرسه می‌گذرد منجر به افزایش اعتماد ملی به نظام آموزش و پرورش کشور می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که محتوای آموزشی مدارس در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و منطبق بر نیازهای فعلی و آتی جامعه باشد، ارزش‌های انسانی و اجتماعی منطبق بر اسناد بالادستی آموزش داده شود، خدمات آموزشی به شهروندان محلی با توجه به نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقش شوراها و نقش خانواده ارائه و نظام آموزشی بر اساس نیاز جامعه محلی با توجه به فرهنگ سازمانی حاکم بر آموزش و پرورش، کاهش تمرکز ساختاری غالب بر آموزش و پرورش و اجتناب از تغییرهای شتاب‌زده و نابهنگام مدیریتی بازنگری شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همه کسانی که در انجام هر چه بهتر این مطالعه سهمیم داشتند، قدردانی می‌شود.

References

- Chen Y, Feng S. (2019). The education of migrant children in China's urban public elementary schools: Evidence from Shanghai. *China Economic Review*. 54: 390-402.
- Damayanti MR, Sudira PG, Nopriani NLP. (2020). Effectiveness of a school-based peer-led education program on high school students' health behavior in a boarding school in Bali, Indonesia. *Enfermeria Clinica*. 30(7): 90-95.
- Fan W, Liang Y. (2020). The impact of school autonomy and education marketization in the United Kingdom. *Journal of Policy Modeling*. 42(5): 1038-1048.
- Ghazi Tabatabaie M, Hejazi E, Rezaie Sharif A. (2010). School bonding among children in elementary schools; a test of control theory. *Iranian Journal of Social Problems*. 1(2): 113-137. [Persian]
- Griffin D, Steen S. (2010). School-family-community partnerships: Applying Epstein's theory of the six types of involvement to school counselor practice. *Professional School Counseling*. 13(4): 218-226.
- Horoz N, Buil JM, Koot S, et al. (2022). Children's behavioral and emotional problems and peer relationships across elementary school: Associations with individual- and school-level parental education. *Journal of School Psychology*. 93: 119-137.
- Khodarahmi M, Malaki H. (2016). The interactive relationship between society and school in the high school curriculum. *Journal of Curriculum Studies*. 10(39): 155-182. [Persian]
- Kuusimaki AM, Uusitalo-Malmivaara L, Tirri K. (2019). Parents' and teachers' views on digital communication in Finland. *Education Research International*. 2019(8236786): 1-7.
- Leith GC. (2016). Overlapping spheres': factors related to children's home learning and school experience. Doctoral thesis (PhD), University of Sussex.
- Marzoghi R, Jahani J, Torkzadeh J, Amiri Tayebi M. (2018). Developing an interactive model of school, family and mosque's roles on realization of educational goals with regard to Islamic education. *Basij Strategic Studies Quarterly*. 21(79): 81-114. [Persian]
- Mohammadi Pouya S, Adib Y, Zarei A. (2020). Appropriate strategies for increasing the linkage between home, school and community; Utilization of global experiences. *Journal of School Administration*. 8(3): 336-370. [Persian]
- Myende PE. (2019). Creating functional and sustainable school-community partnerships: Lessons from three South African cases. *Educational Management Administration & Leadership*. 47(6): 1-19.
- Pericas C, Clotas C, Espelt A, et al. (2022). Effectiveness of school-based emotional education program: a cluster-randomized controlled trial. *Public Health*. 210: 142-148.
- Poodineh M, Hosseingholizadeh R, Mahram B. (2018). Social responsibility of school: A case study of two girls' middle schools in Mashhad city. *Journal of New Educational Approaches*. 13(2): 95-120. [Persian]
- Ralejoe MC. (2021). Exploring parental involvement in education in selected inclusive secondary schools in Maseru District, Lesotho. *International Educational Research*. 4(1): 1-17.
- Rezaii Sharif A, Gazi Tabatabaei M, Hejazi E, Ejei J. (2012). Investigation of the viewpoint of students about school bonding: A qualitative study. *Journal of Psychology*. 16(1): 16-35. [Persian]
- Shahri A, Shirbagi N, Bolandhematan K. (2019). An analysis of families and community's involvement in the schools' educational and administrative processes using "overlapping spheres of influence" model. *Managing Education in Organizations*. 7(2): 167-210.
- Sullivan AL, Sadeh S, Houry AK. (2019). Are school psychologists' special education eligibility decisions reliable and unbiased?: A multi-study experimental investigation. *Journal of School Psychology*. 77: 90-109.

Identifying the Dimensions and Components of the School and Society Link Pattern based on the Grounded Theory

Parvin Shayesteh nia¹

Hamid shafizadeh²

Nader Soleimani³

Abstract

Purpose: The link of school and society can play an important role in preparing students for life in society. Therefore, the aim of this study was identifying the dimensions and components of the school and society link pattern based on the grounded theory.

Methodology: This study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was qualitative. The research population was professors and experts, policy makers of the Ministry of Education, managers of the General Departments of Education and schools managers in the 2021-2022 academic year. The sample size based on the principle of theoretical saturation was determined 18 people, who this number were selected by purposeful and snowball sampling methods. The data were collected with a demographic information form and a semi-structured interview, which the validity of the interviews was confirmed by triangulation and peer review methods and its reliability was calculated with a Cohen's Kappa coefficient 0.79. The data were analyzed by open, axial and selective coding method based on the grounded theory in MAXQDA software version 2021.

Findings: The findings showed that for the school and society link pattern were identified 42 subcategories in 15 main categories; So that in the central phenomenon there were one main category of school and society link in Iran, in the causal conditions there were two main categories of structural factors and content factors, in contextual conditions there were four main categories of dominant structural focus, dominant organizational culture, accelerated and untimely managerial changes and intellectual and attitudinal factors, in the intervening conditions there were three main categories of role of virtual space and social networks, role of councils in the education system and role of the family, in the strategies there were three main categories of policy making in the field of attracting civil participation, appropriate governance of the educational system and re-engineering and refining the structure of the educational system and in the consequences there were two main categories of individual consequences and social consequences. According to the identified dimensions and components for the school and society link pattern, a pattern based on the grounded theory was drawn.

Conclusion: The identified dimensions and components in this research for the school and society link pattern have many practical implications for the officials, managers and planners of the Ministry of Education. They in order to increase and improve the link school and society can provide the basis for the emergence and realization of the identified dimensions and components in this research.

Keywords: School and society link, grounded theory, structural factors, content factors, Education.

¹ PhD student, Educational Administration, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. p.shayesteh1384@gmail.com

² Associate Professor, Department of Educational Administration, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. (Author). hshafizadeh@iau-garmsar.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Educational Administration, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. drnasoleimani@yahoo.com